



حاشیه‌نشانی!

یادداشت

علی یعقوبی

جلوگیری از ساخت‌وسازهای غیرمجاز جدید است. این سامانه نظارتی هزینه و تبعات سکناگزینی غیرمجاز را برای کسانی که به دنبال آن هستند افزایش خواهد داد، البته یک مسئله جدی دیگر روستاهای واقع در حریم است که یا در گذشته در سیل توسعه به شهر پیوسته‌اند و یا سودای وصل شدن به مشهد و خدمات شهری را در سر می‌پروراند! تعارض و تداخل بین مدیریت و مجوزهای دهرداری‌ها و فرمانداری و شهرداری در این گونه موارد نیز مشکل ساز شده است.

❖ حل کردن مسئله زمین

زمین‌های حاشیه شهر اغلب وقفی اند که تصرف شده یا قول‌نامه‌ای هستند و روی آن‌ها ساخت‌وساز عمدتاً غیرمجاز یا غیراستاندارد انجام می‌شود. برای حل شدن مشکل این زمین‌ها چهار دستگاه دخیل‌اند. شهرداری، اداره ثبت، اوقاف و آستان قدس. بر اساس وعده‌های داده‌شده، شهرداری اعلام کرده که حاضر است از حق و حقوق خود بگذرد و به خانه‌هایی که قول‌نامه‌ای است پایان کار بدهد. اداره ثبت نیز گفته است روی پایان کار شهرداری حاضر است سند بدهد. اوقاف هم ادعا کرده که مردم برای تنظیم سند اجاره اوقاف بیایند و این اداره حاضر است بیشترین همکاری را در این رابطه از نظر تقسیم و غیره انجام دهد. از سوی دیگر خوشبختانه وعده داده‌شده است که شورای حل اختلافی متشکل از این دستگاه‌ها برای رسیدگی به همین موضوع اختصاص داده شود. این کار مقدمه مهمی است که امکان دریافت وام مسکن توسط مردم را فراهم می‌آورد که خود امکان مهمی برای مشارکت آن‌ها در بهسازی بافت خواهد بود؛ اما این موضوع باید با جدیت بیشتری و با آگاه‌سازی بیشتر مردم دنبال شود.

❖ برنامهریزی جدی برای گشایش دفاتر تسهیلات

پس از طراحی نقشه راهی برای نحوه جذب مشارکت‌های مردمی باید در سطح منطقه دفاتر راه‌اندازی شود و نیروهای آموزش‌دیده و حرفه‌ای بین مردم بروند و آن‌ها را درباره روش‌ها کاملاً توجیه کنند و برای روان شدن کار و انجام امور مقدماتی بهسازی کالبدی زمینه‌های اجتماعی را فراهم نمایند. توقعات مردم را متناسب‌سازی و ظرفیت بزرگان محلات، مساجد، پایگاه‌های بسیج و هیئت مذهبی، تشکلات خیرین و... را فعال نمایند. بهترین تسهیلاتران افراد تحصیل کرده، معتمد و جهادی و با انگیزه خود منطقه هستند که با گذراندن دوره‌های فشرده آموزشی و تجهیز به اطلاعات لازم توانایی متقاعدسازی و همراه کردن مردم را دارند. به عقیده نگارنده این بخش کار پاشنه آشیل موفقیت یا شکست بهسازی حاشیه شهر است. طراحی قدم به قدم و با جزئیات در حوزه تسهیلات برای به نتیجه رسیدن پروژه بهسازی بسیار حیاتی است که باید در رأس آن یک مغز متفکر و حرفه‌ای که قبلاً تجربه کافی در این امر را دارد و به فنون تبلیغات و ارتباطات مسلط است قرار گیرد.

غیر از موارد فوق مسائل متعدد دیگری مانند مسائل اجتماعی و فرهنگی، بهداشت و سایر مسائل عمرانی... وجود دارد که بی‌شک باید به همه آن‌ها اندیشید و راهکارهای لازم را در یک نقشه راه گردآورد و با استفاده از تمام ظرفیت‌های قانونی و حتی طراحی ضوابط ویژه این مناطق تدبیر و اجرایی کرد اما به نظر می‌رسد پنج کام‌فوق گلوگاه‌های اصلی گشایش قفل زنگ‌زده حاشیه شهر است. قفلی که تأخیر بیش از حد در گشودن آن طی سال‌های گذشته تجمع تکراری و تلنبار شدن مشکلات روی هم را پدید آورده و اگر ذی‌ربطان و ذی‌نفعان بیش از این در گرّه‌گشایی تعلل کنند دیری نخواهد پایید که این خرمن مستعد معضلات، به جرقه‌ای آتش بگیرد و آن وقت است که نشانیدن این آتش به سادگی ممکن نباشد.

در کنار بارگاه نورانی امام رضا (ع) خجالت‌آور نیست که یک سوم جمعیت پایتخت معنوی ایران، هر که باشند و از هر کجا، در بیغوله‌های تنگ و غیربهداشتی و ناامن زندگی کنند؟! پس از ۲۰ سال وقت تلف کردن در ستادهای ناکارآمد، جمعیت حاشیه شهر دو برابر شده است و با روی دست ماندن ۴۰ مصوبه اجرا نشده به این نتیجه رسیده‌اند که احتمالاً مشکل نام ستاد بوده و اسم آن را از ستاد سکونت‌گاه‌های غیررسمی به ستاد بازآفرینی بافت‌های ناپایدار تغییر داده‌اند. نگاهی به سابقه پیگیری‌های حاشیه شهر مشهد نشان می‌دهد توجه به این منطقه در سطوح مختلف دائماً دست‌خوش تغییر بوده است و اغلب مسئولان دستگاه‌های استانی بدون فرماندهی واحد و تقسیم کار صحیح و یکپارچه در یک گیجی مفرط سیر کرده و سر در جیب مطالعات و مطالعات و مطالعات فروبرده‌اند و پیوسته مشکلات را به یکدیگر حواله داده‌اند؛ نبود جامعیت و سرعت در برنامهریزی و اقدام، هر کار خوبی را هم که انجام‌شده به عکس خودش تبدیل کرده است و باز مایه تأسف است که در این موضوع هم مانند بسیاری از معضلات مدیریتی دیگر، باید رهبری ورود کنند تا مسئولان تکانی به خود بدهند! در این دو سال اخیر که عزم جدی‌تری برای بهبود وضع حاشیه‌نشینی به وجود آمده است باید فرصت پیش‌آمده را غنیمت شمرد و به سرعت به سمت حوزه اجرایی وارد شد، بر این اساس لیست بلندی از اقدامات مهم وجود دارد اما پنج گام از بقیه مهم‌تر به نظر می‌رسد.

❖ جمع‌بندی سریع درباره ساختار و وظایف سازمان حاشیه شهر

سال گذشته طرح نسبتاً خوبی از سوی شهرداری و استانداری برای تأسیس سازمان حاشیه شهر به هیئت دولت فرستاده‌شده که تناقضات و ابهاماتی در حوزه ساختاری بین وزارت کشور و وزارت راه و شهرسازی در آن وجود داشت که باید هر چه سریع‌تر اشکالات آن رفع و در دولت مصوب شود. ایجاد یک سازمان با اختیارات لازم و ساختار خوب و قدرتمند اولین قدم برای راه افتادن موتور بهسازی حاشیه‌نشینی است. تجربه شکست‌خورده ستادهای ملی و استانی راه به جایی نخواهد برد.

❖ انتصاب یک مدیر اجرایی قوی و با انگیزه

مشکلات حاشیه شهر مشهد در طول زمان آن قدر به هم تنیده و پیچیده شده است که به آسانی قابل حل نیست و تنها یک مدیر اجرایی قوی با برش لازم و با سوابق اجرایی پروژه‌های کلان و چندبعدی لازم است. شخصی که با پوشیدن کفش‌های آهنین بتواند مدیران استانی و ملی را همراه سازد و از طرفی با ویژگی‌ها و شرایط شهر مشهد نیز آشنایی لازم را داشته باشد. بی‌تردید افراد کم‌انگیزه، بازنشسته و کم‌حال و حوصله نمی‌توانند رهبری این بحران پیچیده را به دست بگیرند و آن را به نتیجه برسانند.

❖ استقرار سامانه نظارتی مقتدر برای پیشگیری از حاشیه‌نشینی

برخی معتقدند برای پیشگیری باید جلوی مهاجرت از روستاها و شهرهای دیگر به اطراف مشهد را گرفت اما اولاً باید دانست که مهاجرت تنها عامل افزایش این جمعیت نیست و بخشی از مردم از درون شهر به دلیل کاهش توانایی‌های مالی به حاشیه رانده می‌شوند، ثانیاً جلوگیری از مهاجرت با تأمین مسکن ارزان قیمت و... راهکارهای بلندمدت و ریشه‌ای هستند که نباید از آن‌ها غفلت کرد اما حواله کردن ساماندهی حاشیه شهر به آبادانی روستاها و کاهش انگیزه مهاجرت در مبدأ و مسکن‌سازی ارزان قیمت و غفلت از درمان اورژانسی و کوتاه‌مدت به معنای چند برابر شدن دوباره جمعیت حاشیه شهر و تراکم معضلات آن است. اولین قدم برای کنترل رشد حاشیه‌نشینی ایجاد مجموعه نظارتی مقتدر برای برخورد قاطع و